

توانمند سازی اسکان‌های غیر رسمی با استفاده از استراتژی راهبردی *SWOT*

(نمونه: کوی طاهر اهواز)

حسین عبادی

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران

تاریخ دریافت: 1393/5/11

تاریخ پذیرش: 1393/8/19

چکیده

اسکان غیر رسمی یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که درون یا مجاور شهرها به شکل خودرو و فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد. این مسئله در کشور ما نیز به یکی از معضلات شهرهای بزرگ خصوصاً کلان‌شهرهای کشور تبدیل شده است و مدیریت شهری را برای رفع این مشکل به تکاپو واداشته است. کلان‌شهر اهواز نیز از این مسئله مستثنی نمی‌باشد و اجتماعات غیر رسمی اطراف این شهر را احاطه نموده‌اند. اما چالش پیش رو در رابطه با یکی از این اجتماعات در شرق اهواز، (کوی طاهر) می‌باشد، که دولت در قالب توانمندسازی و ساماندهی این منطقه، سیاست انتقال اجباری (بلدوزری) این ساکنین را در پیشنهاد داده است. که این مسئله مخالفت شدید ساکنان را در پی داشته است. لذا مقاله‌ی حاضر قصد دارد ضمن بررسی دلایل وجودی اسکان غیر رسمی و شکل‌گیری آن در شهر اهواز و کوی طاهر، سیاست مذکور را با توجه به شرایط موجود بررسی نموده و به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا این تصمیم در شرایط فعلی می‌تواند چاره‌ساز باشد یا اینکه مشکلات شهر و این اجتماعات را دو چندان می‌سازد. در این مقاله پس از بررسی متغیرهای لازم مندرج در پرسشنامه و با توجه به جامعه‌ی آماری که شامل سرپرستان خانوار کوی طاهر می‌باشد، چنین استدلال می‌شود که سیاست مذکور در شرایط فعلی نه تنها کاری را از پیش نمی‌برد بلکه مشکلات شهر، مدیریت شهری و این اجتماعات را دو چندان می‌سازد. در تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای *EXCEL*، *SPSS* و ... استفاده شده است و بر پایه‌ی الگوی تحلیلی *SWOT* نظام تحلیل ساماندهی و توانمند سازی کوی طاهر مورد بررسی قرار گرفته و در پایان با توجه به شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، خدماتی، مدیریتی و ... راهبردهای مناسبی در راستای توانمندسازی و ساماندهی بهینه این منطقه ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: اسکان غیر رسمی، توانمندسازی، اهواز، کوی طاهر.

مقدمه

اسکان غیررسمی، پدیده‌ی نابرابری و فقر اقتصادی و از سویی نادیده انگاری اقشار کم درآمد در برنامه ریزی ها به ویژه برنامه‌ریزی های کالبدی و مسکن شهری است که اغلب در حوزه های تمرکز ثروت نمودار می گردد. فقر اقتصادی و توزیع و تمرکز جغرافیایی نابرابری ثروت در کشورهای در حال توسعه موجب مهاجرت گسترده‌ی جمعیت از حواشی فقر به سوی مراکز ثروت به منظور برخورداری از فرصت های اشتغال، درآمد، خدمات بیشتر و امید به آینده ای بهتر گردیده است.

در این فرآیند، مهاجران به شهرها به خاطر عدم توان و جذب اقتصادی در متن و زندگی در فضای داخلی شهرها، درحواشی و پیرامون آنها به صورت غیررسمی اسکان می یابند (قرخلو و دیگران، 1388:1-16)

اسکان غیر رسمی پدیده‌ای است که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی- اجتماعی مانند جریان سریع شهر نشینی و مهاجرت های روستایی لجام گسیخته در بیشتر کشور های جهان به ویژه کشور های جهان سوم پدیدار گردیده است. این مشکل شهری صرفاً مسأله‌ای کالبدی و فیزیکی نبوده و از عوامل کلان ساختاری در سطح ملی و منطقه ای ناشی می شود. رشد فزاینده جمعیت شهری از توان سازمان های دولتی و غیر دولتی جهت توسعه و ارائه خدمات و تسهیلات شهری برای این جمعیت فزاینده پیشی گرفته و برآورده شدن نیاز مسکن و سر پناه اقشار کم درآمد در فضای رسمی و برنامه ریزی شده‌ی شهر، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی را به گونه‌ای بی سابقه گسترش داده است (هادیزاده بزاز، 1384:7).

آنچه مسلم می نماید این است که درکشور ایران هم علاوه بر روند فوق ، تحولات ناشی از شکل گیری تقسیم کار بین المللی و دگرگونی ساختار اقتصادی کشور ، افزایش و انباشت درآمدهای نفتی و اصلاحات ارضی بعد از دهه چهل از جمله علل عمده تسریع روند شهرنشینی و به تبع آن شکل گیری اسکان غیر رسمی بوده اند (صرافی ، 1381:6).

موقعیت جغرافیایی سکونت گاه های غیر رسمی کلانشهر اهواز

کلان شهر اهواز و مرکز استان خوزستان به دلیل دارا بودن منابع غنی و تأسیسات عظیم واحدهای بهره برداری نفت و گاز و همچنین به دلیل مرکزیت و دارا بودن موقعیت چهار راهی اهواز نسبت به سایر شهرهای استان، سبب جذب مهاجران بسیاری گردیده است. این شهر در دوره معاصر به مرور با افزایش جمعیت و به دلیل عدم توزیع متناسب آن، به صورتی پراکنده و گسسته رشد یافته و همین عدم انسجام در توسعه کالبدی، به پیدایش محله های برنامه ریزی نشده و با سیمای افسرده انجامیده است.

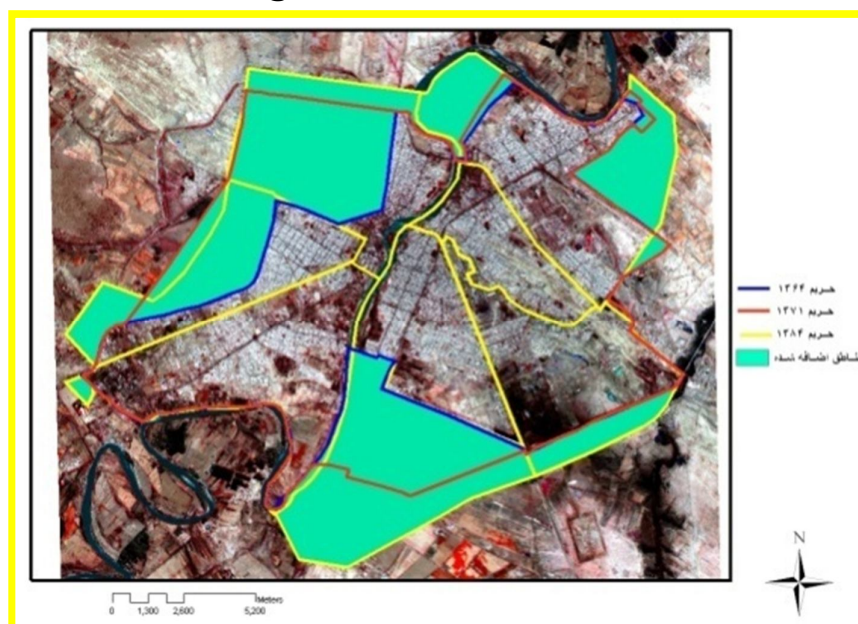
سکونت گاه های غیررسمی شهری اهواز، از نظر موقعیت جغرافیایی و همگن بودن از نظر قومی، به سه حوزه زیرتقسیم می گردد:

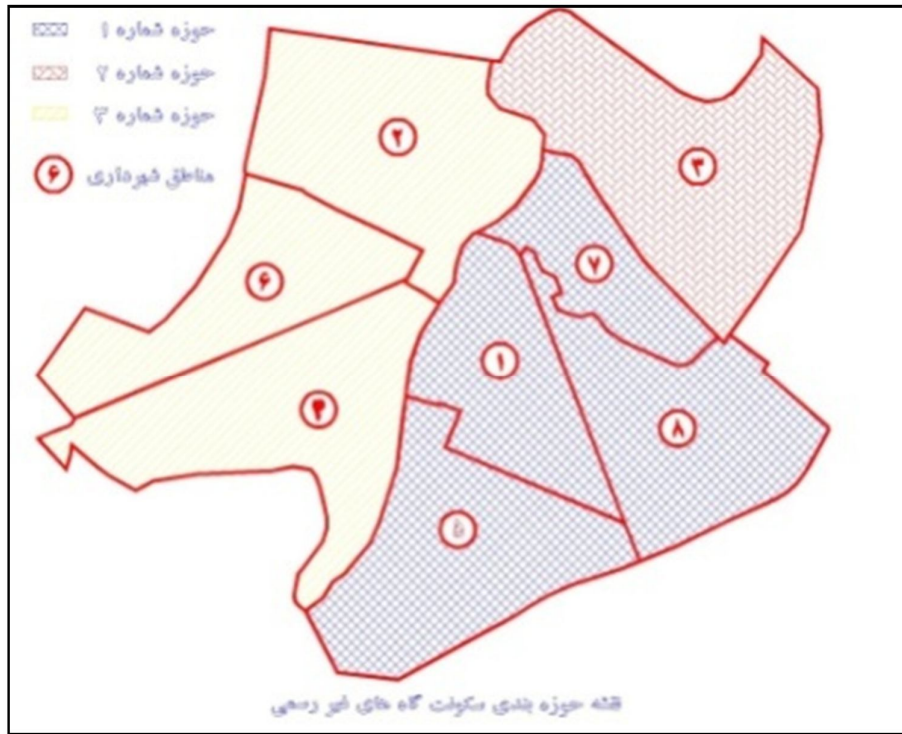
- حوزه شماره یک، واقع در شرق و مرکز اهواز شامل محلات منبع آب، کارون، آل صافی و کوی طاهرکه قسمت عمده ای از اراضی این حوزه دارای پستی و بلندی زیادی است؛

- حوزه شماره دو، واقع در شمال شرقی اهواز شامل محلات زوئیه ملی راه، زوئیه 1، زوئیه 2 و زوئیه 3 می باشد،

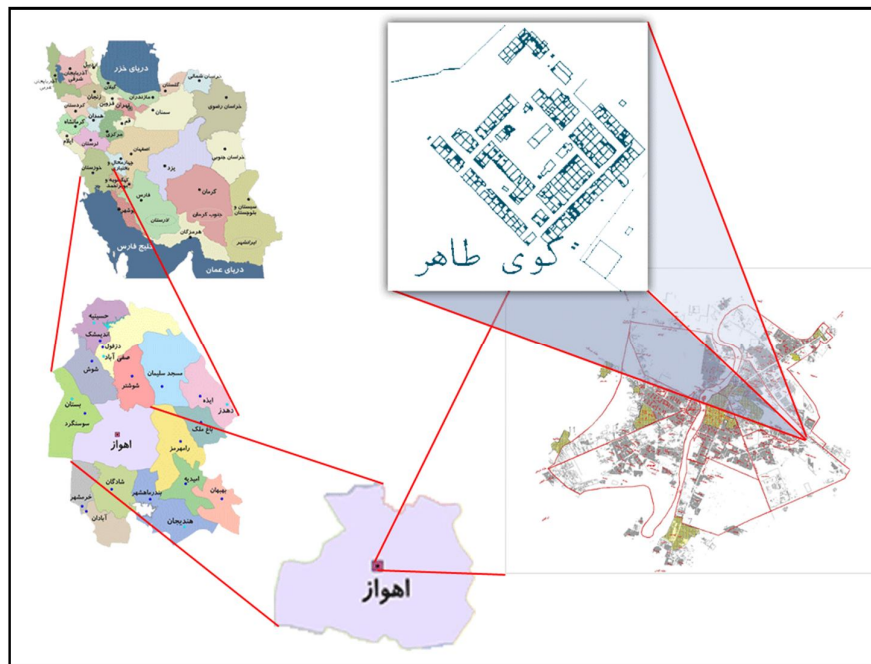
- حوزه شماره سه، واقع در غرب اهواز شامل سیاحی، گل دشت، گل شهر، کریشان و ملاشیه است. چگونگی رشد و گسترش فیزیکی شهر اهواز و به دنبال آن نمودار شدن اسکان های غیر رسمی در این شهر و همچنین موقعیت سکونت گاه های غیر رسمی مورد نظر، در نقشه‌های (شماره 1 و 2 و 3) نشان داده شده است.

یکی از این اجتماعات غیر رسمی فوق الذکر شهرک طاهر می‌باشد، که در این پژوهش مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. این منطقه در حال حاضر با مسائل متعدد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و... مواجه است. از آنجا که راه حل هایی همچون تخریب مناطق و مساکن و انتقال ساکنین به نقطه ای دیگر از شهر، دادن خدمات صرف از سوی سازمان های مرتبط، بدون پذیرفتن حق شهروندی و مشارکت ساکنین این مناطق گزینه های پیشنهادی می باشند. بنابراین باید به دنبال این پاسخ باشیم که آیا این راه حل ها می تواند برای ساماندهی این مناطق مناسب و کارا باشد یا به اصطلاح از چاله به چاه افتادن است.





شکل شماره 2- نقشه حوزه بندی سکونت گاه های غیر رسمی شهری در اهواز



شکل شماره 3- نقشه موقعیت محدوده مطالعه در تقسیمات سیاسی کشور، استان و شهر

با این اوصاف، پرداختن به مسئله اسکان غیر رسمی نه تنها ضرورتی بر آمده از ارزشهای اعتقادی و انسانی، بلکه سازگار با منافع اجتماعی و پایداری سکونتگاهها و توسعه ملی است. نباید فراموش کرد که فقر در هر جا تهدیدی برای کل است (صرافی، 1381: 6)

شهرک طاهرکه در شرق اهواز واقع شده است، از شمال به سه راه تپه، از جنوب به تپه آزمون راهنمایی و رانندگی، از شرق به امتداد مسیر اهواز - بندر امام خمینی و از غرب به مسیر باهنر - سپیدار می‌باشد. از لحاظ طول و عرض جغرافیایی منطقه بین 31 درجه و 18 دقیقه و 55 ثانیه عرض شمالی و 48 درجه و 45 دقیقه و 16 ثانیه طول شرقی واقع گردیده است.

در این مکان حدود 400 خانوار در 300 تا 350 پلاک مسکونی ساکن می‌باشند که اکثر ساکنین را مهاجرین ناشی از جنگ تحمیلی که به دلیل تخریب منازلشان توسط رژیم بعثی از خرمشهر و آبادان به این مکان مهاجرت نمودند و مابقی مردم فقیر محله‌های قدیمی اهواز می‌باشند که به دلیل تناسب مکان با وضعیت مالیشان در این مکان سکنی گزیده‌اند.

تمامی مردم کوی طاهر از طبقات پایین دست جامعه می‌باشند که به دلیل عدم اشتغال سرپرست خانوارها تحت پوشش کمیته امداد می‌باشند و بعضاً به شغل‌های کاذب روی آوردند.

این مکان از لحاظ امکانات بهداشتی، امکانات رفاهی و خدمات شهری در پایین‌ترین سطح می‌باشد و فقر نیز در بین ساکنین بیداد می‌کند. حدود 100 درصد پلاک‌های ساختمانی واقع در این مکان فاقد سند رسمی و به صورت تصرفی می‌باشند و مردم مدعی هستند که این منازل توسط نامه‌ای از طرف بنیاد مسکن به آنها واگذار شده است و به دلیل اینکه اکثر خانوارها بالای 20 سال است که در این منازل ساکن هستند خود را مالک قانونی این منازل می‌دانند.

برخی از مشکلات این محله شامل فقدان گاز شهری، فاضلاب نامناسب، قطعی مکرر برق و از این قبیل، که این مشکلات زندگی مردم محل را تحت تأثیر قرار داده بنابراین مردم خواستار مساعدت مسئولین در این زمینه بودند.

جمعیت هر خانه در این کوی بالای 5 نفر است که حتی در برخی خانواده‌ها این رقم به 18 نفر هم می‌رسد. همچنین بیشتر منازل دارای بیشتر از یک خانوار در یک باب منزل مسکونی می‌باشند.

آنچه در این قسمت آورده شد مختصری از بازدیدهای میدانی نگارندگان می‌باشد که در قسمت یافته‌های تحقیق به تفصیل آورده می‌شود.

طرح مسئله

پیدایش و گسترش محله‌های حاشیه‌ای و اسکان‌های غیر رسمی، به یکی از چالش‌های مهم در برنامه ریزی و مدیریت شهری در کلان شهر اهواز تبدیل گردیده است. که این چالش پیش رو تصمیمات برنامه ریزان و مدیران شهری را تحت الشعاع خود قرار داده است. حدود 8 درصد جمعیت شهر های بزرگ در حاشیه‌ی شهرها زندگی می کنند، این در حالی است که این رقم در کلان شهر اهواز به دلایل مختلف چهار برابر این رقم می‌باشد. بر اساس آخرین آمار 32 درصد جمعیت یک میلیون نفری اهواز معادل 330 هزار نفر، در مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کنند. این جمعیت در 17 نقطه اهواز به صورت رسمی و قانونی و غیر رسمی و غیر قانونی پراکنده شده اند. یکی از این اجتماعات که به صورت اسکان غیر رسمی ساکنان در شرق اهواز نمایان است، شهرک طاهر می باشد. این منطقه در محدوده‌ی خدمات دهی منطقه‌ی 8 شهرداری اهواز قرار دارد. با توجه به موارد گفته شده، مدتی است که توانمند سازی و ساماندهی این شهرک مورد توجه مسئولین قرار گرفته شده است. که یکی از دلایل عمده‌ی این توجه واقع شدن این شهرک در امتداد ورودی شرقی شهر می‌باشد. همانطور که گفته شد، دو راهبرد برای بهسازی و ارتقای سکونت‌گاه های غیر رسمی به کار گرفته شده است. راهبرد اول، بهسازی و بهبود بخشیدن وضعیت موجود و راهبرد دوم، فراهم آوردن مکان و خدمات است که با هدف توانمند سازی و ساماندهی این مناطق صورت می‌گیرد.

سیاستی که برای شهرک طاهر در بستر توانمند سازی و ساماندهی این محدوده در نظر گرفته شده است به نوعی اخراج اجباری و محترمانه ساکنین از منطقه واسکان آنها با انتخاب یکی از دو گزینه‌ی زیر است:

1-انتخاب یک قطعه زمین با مساحت 12 هکتار در انتهای ناحیه صنعتی کارون، توسط دولت و احداث بلوک های آپارتمانی و به سبک قوطی کبریتی با مساحت کم و انتقال ساکنان به آنجا.

2-ارائه تسهیلات بانکی از قبیل 4 میلیون تومان کمک بلاعوض و 15 تا 40 میلیون تومان وام برای خرید خانه در هر نقطه ای از شهر.

البته همانطور که واضح می باشد در هر یک از این دو گزینه، تسهیلات دولت به صورت وام در اختیار ساکنان قرار می گیرد. با این تفاوت که در گزینه‌ی اول ساکنان بابت خرید زمین پولی پرداخت نمی کنند و همچنین در ازای خانه تخریب شده خود صاحب یک واحد 60 تا 70 متری می شوند.

حال سوال اینجاست که از آنجا که توانمند سازی بر دیدگاه فقر زدایی استوار است و در راستای توسعه‌ی پایدار انسانی محور با تکیه بر مشارکت شهروندان و شهر(مدیریت شهری)، پیش می‌رود، آیا این سیاست در رابطه با شهرک طاهر در نهایت به ارتقاء کیفیت زندگی و کاستن از بار مشکلات آنها می انجامد و یا اصطلاحاً باری دوچندان بر دوش آنان و افزایش مشکلات شهر در این رابطه می باشد؟ همچنین اینکه آیا

این سیاست به بهبود مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی، خدماتی و ... کمک خواهد نمود و به ساماندهی و توانمند شدن این جماعات منجر خواهد شد؟

روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است. شیوه‌ی گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی است. محدوده‌ی جغرافیایی و مکانی تحقیق، شهرک طاهر می‌باشد. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل ساکنین شهرک طاهر و همچنین مسئولان متخصص و کارشناسان مسائل شهری در اهواز است. بنابراین در جامعه‌ی اول پرسش شوندگان سرپرستان خانوار هستند که از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده می‌شود و در جامعه‌ی دوم که پرسش‌ها از طریق مصاحبه انجام می‌گیرد شامل مدیران و مسئولین شهر اهواز همچنین افراد محلی می‌باشد. حجم نمونه برای جامعه اول از طریق رابطه‌ی کوکران:

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} \quad \text{رابطه (1)}$$

که در آن $p=0/5$ ، $q=0/5$ ، $t=1/96$ (با احتمال 95 درصد) و $d=0/0062$ است، چنین محاسبه می‌شود:

$$n = \frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.0062^2} = 250 \quad \text{رابطه (2)}$$

برای تجزیه و تحلیل و پردازش اطلاعات، از نرم افزارهای *SPSS*، *AutoCAD*، مجموعه *Microsoft office* و فاکتور آنالیز استفاده شده است. سپس از طریق الگوی تحلیل *SWOT* و بررسی ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها، راهبردهای مناسب جهت ساماندهی و توانمند سازی اسکان غیر رسمی در این محدوده مورد مطالعه ارائه گردیده است.

چارچوب نظری پژوهش

اسکان غیر رسمی (شناخت واژه)

اسکان غیر رسمی یکی از چهره های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه ریزی رسمی شهرسازی، با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازل یا کمیت و کیفیت زندگی شکل می گیرد و با عناوینی همچون حاشیه نشینی، اسکان غیر رسمی، سکونت گاه های خودرو و نابسامان نامیده می شود. با توجه به نارسا بودن اصطلاح حاشیه نشینی و آلونک نشینی برای کلیه اشکال این پدیده، اصطلاح اسکان غیر رسمی، با تعبیری گسترده تر به جای حاشیه نشینی و آلونک نشینی بکار می رود. از این رو اصطلاح اسکان غیر رسمی شامل حاشیه نشینی و اشکال متعدد می باشد (کمانرودی، 1377: 19).

در تعریفی دیگر سکونت گاه های غیر رسمی (غیر قانونی)، را می توان به عنوان یک منطقه ی مسکونی تعریف کرد که بدون مطالبه ی قانونی برای دریافت زمین و یا اجازه از سوی مقامات مربوط برای ساختن خانه توسعه یافته است. در فرهنگ لغت آکسفورد تصرف کننده ی غیر مجاز *Squatter* به شخصی گفته می شود که بدون اجازه، زمین های خالی از سکنه را برای ساخت مسکن تصرف کرده و بر روی زمین بی نام و بدون عنوان سکونت دارد (Hari, 1998:1).

بنابراین تصرف کنندگان غیر مجاز افرادی هستند که نه مالک زمین هستند و نه بابت زمینی که بر روی آن سکونت دارند اجازه ای پرداخت می کنند. آنها تنها مالک ساختمانی هستند که خودشان بر روی زمین های غیر قانونی ایجاد کرده اند (هادیزاده، 1384: 17).

این مساکن حجم وسیعی از مهاجران به شهر های بزرگ را در خود جای می دهند. این مناطق اغلب در کنار و حاشیه ی مناطق مسکونی شهری قرار گرفته و مکان مناسبی برای خانواده های فقیری که استطاعت مالی لازم جهت تهیه ی مسکن در مناطق تحت پوشش خدمات شهری را ندارند، می باشد. در واقع به این افراد به دلیل فقر، حق سکونت در سکونت گاه های سامان یافته داده نشده است. می توان گفت هیچ گونه اصطلاح عمومی و قابل قبولی برای این سکونت گاه ها وجود ندارد. در اینجا به نام ها و مفاهیمی که برای این گونه سکونت گاه ها به کار می رود اشاره می شود:

Informal Settlements

- سکونتگاه های غیر رسمی

Low Income Settlements

- سکونتگاه های افراد کم درآمد

Semi Permanent Settlements

- سکونتگاه های نیمه دائم و موقتی

shanty Town

- سکونتگاه های آلونکی

Spontaneous Settlements

- سکونتگاه های خودرو

Unauthorized Settlements

- سکونتگاه های غیر مجاز

Unplanned Settlements

- سکونتگاه های برنامه ریزی نشده

Uncontrolled Settlements

- سکونتگاه های کنترل نشده

Marginal Settlements

- سکونتگاه های حاشیه نشین

Irregular Settlements

- سکونتگاه های نا بهنجار

بنا بر آنچه گفته شد اغلب زمین های تصرف شده، متعلق به ساکنان این سکونتگاه‌ها نیست. البته ساکنان این اراضی را نمی توان غیر مجاز نامید، زیرا بعضی از آنها دارای حق تملک زمین (مالکیت) هستند و بعضی از آنها نیز مستأجر بوده و برای زمین و یا ساختمان، اجاره بها می‌پردازند. متأسفانه این سبک خانه سازی و این گونه مناطق به طور کلی به عنوان حاشیه در نظر گرفته شده اند. در صورتی که این مناطق نه تنها از نظر اصل و علت تشکیل متفاوتند، بلکه از نظر ویژگی‌ها و نقشی که در جامعه شهری ایفا می‌کنند و نوع پاسخگویی به نیازهای آنها نیز با یکدیگر متفاوت هستند. بنابراین تفاوت و تمایزی بین سکونتگاه های حاشیه ای درون شهری ثابت و بدون تغییر و سکونتگاه های غیر رسمی متحرک و در حال افزایش وجود دارد و بدیهی است که نحوه ی برخورد با هر یک نیز متفاوت می باشد (Babar, 2001: 235). سه ویژگی اساسی که به درک سکونتگاه غیر رسمی کمک می کند، عبارتند از: ویژگی های کالبدی، اجتماعی و قانونی.

ویژگی کالبدی: یک سکونتگاه غیر رسمی به دلیل اصل غیر قانونی بودن آن، دارای سرویس ها و خدمات شهری ناکافی و زیر ساختی در سطح بسیار پایین می باشد. این سرویس ها عبارتند از: شبکه ارتباطی، منابع آب، سیستم تخلیه فاضلاب، برق، جاده، مدارس، مرکز بهداشت، بازار و بنابراین شبکه های غیر رسمی برای منابع آب و برق و سایر تسهیلات در این مکان ها وجود دارند که وابستگی کمی به کانال‌های مجاز و رسمی دارند.

ویژگی های اجتماعی: اغلب ساکنان سکونت گاه های غیر رسمی دارای درآمدی ناچیز و جزو طبقات پایین جامعه می باشند. آنها به صورت کارگر روز مزد بوده و اغلب در بخش های غیر رسمی کار می کنند. آنها حداقل دستمزد را دریافت می نمایند و گاهی بعضی از خانواده ها با کار در شغل های نیمه وقت سطح درآمد بالاتری دارند. اغلب ساکنان را مهاجران (از روستا و شهرهای کوچک به شهر)، تشکیل می دهند و بعضی از آنها نیز از نسل دوم و یا سوم ساکنان غیر مجاز می باشند.

ویژگی های قانونی: شاخص کلیدی که یک سکونت‌گاه غیر رسمی را متمایز می کند، این است که ساکنین این سکونت‌گاه ها فاقد مالکیت زمینی هستند که خانه خود را روی آن بنا نهاده اند. این زمین می

تواند زمین های دولتی و عمومی خالی از سکنه و یا قطعات زمین حاشیه شهر مانند زمین های باتلاقی و نامطلوب باشد. بنابراین زمانی که زمین مولد نیست تا توسط صاحبان آن استفاده شود، برای یک تصرف کننده ی غیر مجاز مناسب است تا خانه ی خود را بر روی آن بسازد (*Hari, 1998: 1*).

دیدگاه های مربوط به اسکان غیررسمی

یکی از آثار و پیامدهای توسعه فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری که بر پایداری شهری تأثیری مخرب دارد، اسکان غیررسمی است. در تبیین علل شکل گیری این مسئله، مکاتب و اندیشمندان بسیاری به ارائه دیدگاه های شان پرداخته اند، که در ادامه به آنها اشاره می شود:

دیدگاه لیبرال

از مهمترین چهره های دیدگاه لیبرالی، «جان اف ترنر» است که با مقاله مشهور خود با عنوان «سکونت گاه های شهری کنترل شده» به مطالعه ی سکونتگاه های غیررسمی جهان سوم، به ویژه امریکای لاتین و جنوب شرقی آسیا پرداخته است. دیدگاه لیبرال با حقیقت (چرایی پیدایش سکونتگاه های غیررسمی) درگیر نمی شود و واقعیت موجود (پیدایش و گسترش سکونتگاه های غیررسمی) را قهری و از تبعات نظامی جهانی موجود که در مجموع مورد قبول است، می انگارد، لذا به ارائه راه حل هایی در سطوح مختلف بسنده می کند (پیران، 1374: 97). به طور کلی، این اواخر از دیدگاه اغلب اقتصاددانان لیبرال غربی، مهاجرت از روستا به شهر در فرآیند توسعه اقتصادی مطلوب به شمار می آمد و تصور می شد که مهاجرت داخلی، فرآیندی طبیعی است که نیروی کار اضافی به تدریج از بخش روستایی خارج می شوند تا نیروی کار مورد نیاز رشد و توسعه صنعتی را تأمین کنند (تودارو، 1366: 381).

دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا

برخلاف دیدگاه لیبرالی، اقتصاد سیاسی فضا به علل پیدایش سکونتگاه های مختلف می پردازد و می کوشد با ریشه مسئله درگیر شود. این دیدگاه، تک شهری در نظام شهری و ناهمگونی این نظام را تماماً به عوامل بیرونی (امپریالیسم) نسبت می دهد و حل مسئله را در تغییر ساختار حاکم بر کار، تولید و توزیع و مصرف یعنی ساخت اقتصادی و سرانجام تغییر بنیادین جوامع جست و جو می کند و لذا دستورالعملی برای برخورد مقطعی و موردی برای پدیده اسکان غیررسمی ندارد و نسخه های موردی و مقطعی را کارساز نمی داند و در بهترین حالت آنها را مسکنی می پندارد که چه بسا ریشه ی درد را نیز، مخفی می کند (پیران، 1374: 97).

دیدگاه غیر لیبرال

در دهه 60 و 70 میلادی، برخلاف اندیشمندان لیبرال، گروه دیگری از متفکران از جمله نظریه پردازان مکتب وابستگی در امریکای لاتین بیان می‌دارند که الگوی توسعه‌ی وابسته و برون‌زا و جریان صنعتی شدن وابسته، شهرنشینی شتابان و ناهمگونی را به دنبال دارد و به موازات رشد نامتعادل، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد و عدم تعادل‌های ساختاری جامعه شتاب می‌گیرد (حاج یوسفی، 1381:17). در این دیدگاه، اسکان غیررسمی شهری در واقع فرآیند انتقال فقر و محرومیت روستا به شهرهاست. بر اثر عملکرد نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نامتوازن و ناعادلانه، جمعیت شناور در شهرها از جمله روستاییان تهی دست مهاجر، ساختار، روابط و کارکردهای اجتماعی متضادی را در شهرها پدید می‌آورده‌اند. مابین مهاجران در جامعه شهری جذب و ادغام نشده‌اند و در فضاهایی فاقد ساختار سکونتی متعارف زندگی می‌کنند. آنان بر روی زمین دیگران، با خودسازی و خودیاری سکونتگاه‌های نامتعارف و محقر، شهری را پدید می‌آورند که در عین حال مأمنی هم برای سایر مهاجران تازه وارد به شمار می‌آید (guander,1982:38).

دیدگاه جامعه‌گرایان جدید

از دیدگاه اندیشمندان مکتب جامعه‌گرا و جامعه‌گرایان جدید، اسکان غیررسمی و پیدایش گروه‌های حاشیه‌ای در جوامع شهری کشورهای در حال توسعه ناشی از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه است و پیامد قهری عملکرد قوانین حاکم بر نظام اقتصاد سرمایه‌داری یعنی تمرکز و انباشت سرمایه، رشد ناموزون اقتصادی و بروز تضادهای اجتماعی (تضاد اراضی بین دهقانان زمین‌دار و بی‌زمین، تضاد بین زندگی شهری و روستایی، تضاد طبقاتی و نظایر اینها) است و بنابراین، در جریان تحولات ناهماهنگ جامعه سرمایه‌داری، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله پیدایش اسکان غیررسمی در شهرهای بزرگ اجتناب‌ناپذیر است (Haj Yusefi, 2002:27-34).

جدول شماره 1- دیدگاه‌های مختلف، نگرش، دوره‌های زمانی و نحوه برخورد با اسکان غیررسمی

دیدگاه	نگرش	دوره	نحوه برخورد
لیبرالیسم	مسئله‌ای گذرا	تا دهه 1960	نادیده گرفتن
محافظه کار	عده‌ای چرکین	1960 تا 1970	تخلیه و تخریب
رادیکال	ریشه در نظام نابرابری سرمایه‌داری	1970 تا 1980	خودیاری
نئولیبرالیسم	رویگرد قانونی و بوروکراتیک	1950 تا 1980	مسکن عمومی
اسکار لوئیس	فرهنگ فقر	1980 تا 1990	بهبودی
چارلز آبرامز	تغییر در نگرش نهادهای بین‌المللی	1990 تا کنون	توانمندسازی
استاکس	آلونک و نابرابری	-----	-----

در بین سه طبقه جمعیت روستایی، جمعیت شهری و حاشیه نشینی شهری، بیشترین افزایش جمعیتی و نرخ رشد مربوط به اسکان غیر رسمی و حاشیه نشینی شهری است که بهترین راه حل برای آن، توانمندسازی این نوع اجتماعات به شمار می آید. البته توانمند سازی این مناطق باید بر پایه حل مشکل صورت پذیرد و به گونه ای باشد که به سمت و سوی آسایش و رفاه ساکنین سیر کند، نه اینکه مشکلات ساکنین را حل نکرده بلکه آن را دو چندان کند. گاهاً نیز مشاهده شده مسئولین امر در راستای هدف توانمند سازی سیاست تخریب و تخلیه اجباری اسکان های غیررسمی را انتخاب می کنند. این در حالی است که امروزه در جهان سیاست تخریب و تخلیه اجباری اسکان غیررسمی کاملاً مطرود و خلاف پایه ای ترین حقوق بشر دانسته شده است و آنچه واقع بینانه و نوع دوستانه به نظر می رسد، راه حل مداراگرایانه و یا اصلاح تدریجی در مسیر یکپارچگی با شهر «رسمی» است. چنین راه حلی براساس مشارکت ساکنین و بسیج سرمایه درونی این سکونتگاهها که مهمترین آن نیروی کار جوان و با انگیزه است و با یاری و تسهیل کنندگی بخش عمومی فکر شده است. (صرافی، 1381: 9)

سیاست توانمند سازی

در نیمه دوم دهه 1980 راهبرد توانمند سازی به همراه بهسازی توصیه شده است. روش توانمند سازی راهبردی جهانی برای مسکن، محسوب می گردد که در نشست عمومی سازمان ملل در سال 2000 پذیرفته گردید.

این راهبرد بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبودی در شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویت ها و نیازهایشان بهبود بخشند. به طور خلاصه در روش توانمند سازی مرکز توجه، ساکنان شهر و مردم هستند و دولت متعهد می گردد که تسهیلات لازم را برای آنان فراهم نماید. توانمند سازی اجتماعات محلی، رهیافت نوینی برای حل مسئله فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی صرف را راهگشا نمی داند. بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان های دولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان مورد نظر است.

در نظام برنامه ریزی اسکان کشور به طور عام و در برنامه ریزی شهری و مسکن به طور خاص، نقاط کور و خلأیی وجود دارد که در پاسخگویی به مسأله اسکان نابهنجار ناتوان می باشد. زیرا اسکان نابهنجار به عنوان معلولی کالبدی، نشأت گرفته از عامل اجتماعی - اقتصادی است و از این رو رویارویی با آن به تنهایی در توان یک دستگاه بخشی و با وظایف و مأموریت های عموماً کالبدی (همچون وزارت مسکن و شهرسازی) نمی باشد و هر گونه اقدام در گره گشایی این معضل، ضمن آنکه به بهسازی کالبدی و طرح

های مهندسی نیاز دارد، اما همراه و حتی پیش از آنها به برنامه ریزی همه جانبه توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی اجتماعات محلی در این گونه سکونتگاه‌ها نیازمند است (پورآقایی، 19:1383).

واقعیت این است که حجم، سرعت و تنوع پیدایش و رشد اسکان نا بهنجار در شهرهای کشور فراتر از توان و منابع دولتی در پرداختن یک طرفه به آنهاست و از طرف دیگر نیز، توانایی‌های بالقوه‌ای وجود دارد که می‌بایست در چاره‌جویی مشکل به عنوان منابع جدید، تجهیز و پیش بینی و به کار گرفته شوند.

راهبرد کلان برخورد با اسکان غیر رسمی نه این است که بخش دولتی با کنار زدن اجتماعات محلی کم درآمد، به دستگیری از آنان و دادن صدقه تأمین خدمات و بهسازی مساکن آنها پردازد؛ بلکه بخش دولتی و کارگزاران آن می‌بایست توانمندسازی این اجتماعات و به بیانی دیگر، روی پای خود ایستادن آنها را مدنظر قرار دهد.

در راهبرد توانمند سازی برای رسیدن به محصول و نتیجه مورد نظر، راه و فرآیند نیل به محصول مهمتر تلقی شده و راه و فرآیندی به کار گرفته می‌شود که طی آن مشارکت مردمی ارتقای ظرفیت‌های اجتماعات محلی در اسکان غیر رسمی نهادینه شود تا در نهایت، اگر چه با حمایت و بستر گشایی‌های بخش دولتی، خود ایشان برآورده کننده‌ی نیازهایشان باشند. آنچه در این راهبرد کلیدی است، تأکید ویژه بر افزایش درآمد و فقر زدایی خانوار است که بدین منظور آموزش‌های حرفه‌ای و بالا بردن مهارت نیروی کار و نیز یاری آنان در دسترسی به منابع، سازماندهی و بازاریابی بهتر کسب و کارشان به ویژه با میانجیگری سازمان‌های غیر دولتی و محلی، حائز اهمیت بسیار است. در صورت تحقق راهبرد توانمند سازی، انتظارات فزاینده خارج از توان این گونه اجتماعات و نوعی باج‌گیری از خزانه‌ی دولتی و مهار شده و در عین حال بهبود این چنین شرایط زندگی در اسکان غیر رسمی مشوقی برای هجوم تازه واردین بیشتری نخواهد شد، زیرا برخورداری از کیفیت سکونت با تلاش و صرف منابع اجتماعات متناسب بوده و اجتماعات محلی خود بازدارنده تازه واردینی خواهند شد که به تکالیف اجتماعی خود عمل ننموده و تنها حقوق خود را مطالبه می‌کنند. همچنین، پرداختن به مسأله اشتغال و افزایش درآمد خانوارها باعث ازدیاد توان مشارکتی ساکنین و پایداری اجتماعات خواهد شد و از ترک ساکنین فقیر و انتقال جغرافیایی آن به نقطه‌ی دیگر ممانعت به عمل خواهد آورد. از این رو توانمند سازی، برخوردی همه جانبه در راستای توسعه‌ی اجتماعات محلی کم درآمد را می‌طلبد که تنها در پوسته اقدامات کالبدی و طرح‌های مهندسی نمی‌گنجد.

محورهای اصلی این رویکرد عبارتند از:

1- برقراری کامل ارتباط بین بخش مسکن و برنامه ریزی کلان اقتصادی.

- 2- پیوند همه جانبه برنامه ریزی مسکن با برنامه ریزی شهری.
 - 3- جهت گیری سیاست ها برای تحقق توانمند سازی خانواده ها با استفاده از سازمان های غیر دولتی.
 - 4- سازمان های مبتنی بر اجتماعات همچون تشکل های خودیار که با فعالیت های دولت و عملکرد بازار هم بسته باشند.
 - 5- توجه ویژه به مقولات فقر ، محیط زیست ، بهداشت در برنامه های مسکن و حضور دولت در هنگامیکه بازار در تأمین مسکن با حداقل شرایط قابل قبول برای کم درآمدها دچار شکست می شود. این حضور باید با حداقل پرداخت سوبسید که به دقت مدیریت شده و در عملکرد بازار انحراف ایجاد نکند ، انجام پذیرد. بهترین شکل سوبسید، کمک های سرمایه ای به فقیرترین خانوارها به صورت منفرد است.
 - 6- فراهم آوردن شبکه های زیر بنایی و اعطای حقوق مالکیت در مناطق حاشیه نشین موجود(بیگدلی ، 1383: 73).
- در ادامه به سیاست های مورد نظرمدیریت شهری در ارتباط با توانمند سازی و ساماندهی کوی طاهر اشاره می شود:

سیاست تخریب و پراکنش

این سیاست صرفاً اجرایی با نگرش منزجرانه نسبت به پدیده اسکان غیر رسمی و آواره کردن ساکنین آن را دارد. این شیوه ابتدایی که رایجترین و معمولترین شیوه برخورد با پدیده اسکان غیر رسمی است از دیدگاه آکادمیک و برنامه ریزی منفورترین شیوه ها می باشد. چرا که ، نه تنها تأثیری در حذف اسکان غیر رسمی نخواهد داشت، بلکه موجبات پراکنش و تشدید آن را نیز فراهم می آورد. از سوی دیگر در این نگرش، به عوامل اصلی و جنبی پیدایش اسکان غیر رسمی جز از خود اسکان غیر رسمی که تابعی بیش نیست، توجه ندارد.

پدیده اسکان غیر رسمی پیامد روند تکاملی و تحولات تاریخی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی جوامع و نشأت گرفته از سیاست های کلان برنامه ریزی است. از این رو جامعه (به مفهوم دولت و مردم) و خصوصاً برنامه ریزان موظفند بدون اغماض آنها در راستای رفع عوامل ریشه ای و روبنایی اسکان غیر رسمی بکوشند.

شکلی به ظاهر تعدیلی ، توافقی و عوامفریبانه آن در منطقه 16 شهرداری در خصوص آلونک نشینان علی آباد بوده که در سال 1375 به اجرا درآمده است.

ساخت مسکن اجتماعی یا مسکن متعارف

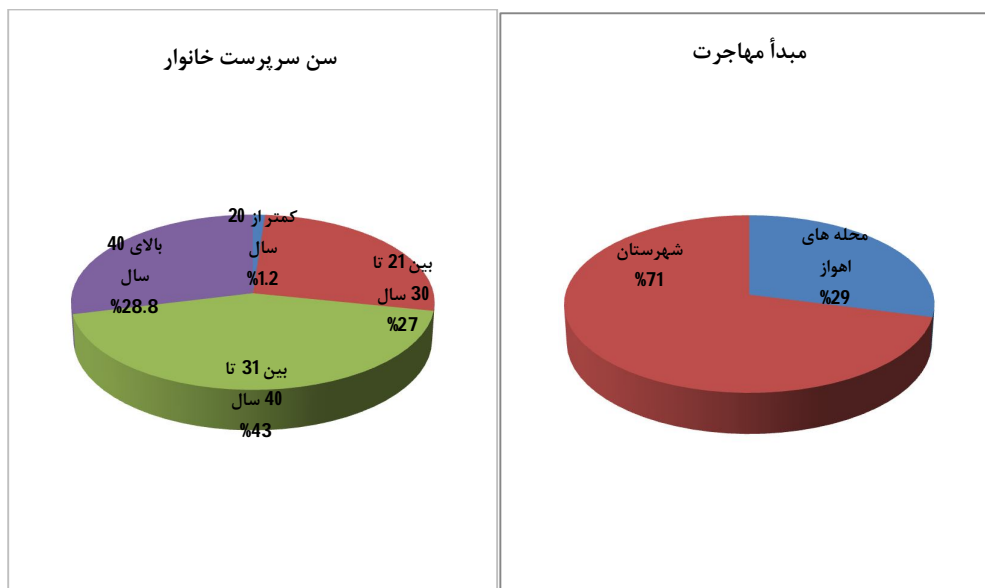
گرایش اولیه دولتهای جنوب بعد از روبرو شدن با اسکان غیر رسمی یا بد مسکنی، ساختن مسکن متعارف برای انتقال ساکنان به ساختمان‌های مذکور بود، که در دهه 1960 میلادی رایج گشت. این فعالیت معمولاً در پی طرح‌های بازسازی یا بهسازی محلات شهرها صورت می‌گرفت. و برنامه‌های ویژه و جامعی برای اسکان کم درآمد‌ها وجود نداشت. در عوض با وضع مقررات و انواع محدودیت‌ها سعی بر آن بود که سدی در برابر مهاجرت‌ها ایجاد گردد و در صورت نفوذ مهاجران به شهرها، امکان اسکان از آنها سلب گردد. در ایران تأسیس کوی سیزده آبان در دهه 1340 به منظور جابجایی زاغه نشین‌های داخل شهر تهران، از اینگونه بوده است. در همان زمان برنامه‌ای برای اسکان مهاجران کم درآمد جدید وجود نداشت و به شدت از حضور آنها در محدوده قانونی شهر تهران ممانعت به عمل آمده است. لازم به ذکر است که این سیاست‌ها در ارتباط با توانمند سازی و ساماندهی کوی منبع آب که یکی از اسکان‌های غیر رسمی در اهواز می‌باشد تا حدودی به اجرا درآمد ولی این سیاست تا کنون به به نتیجه‌ی مطلوبی نرسیده و تنها هزینه‌های زیادی بر دوش دولت و مردم گذاشت.

یافته های تحقیق

ویژگی های اجتماعی

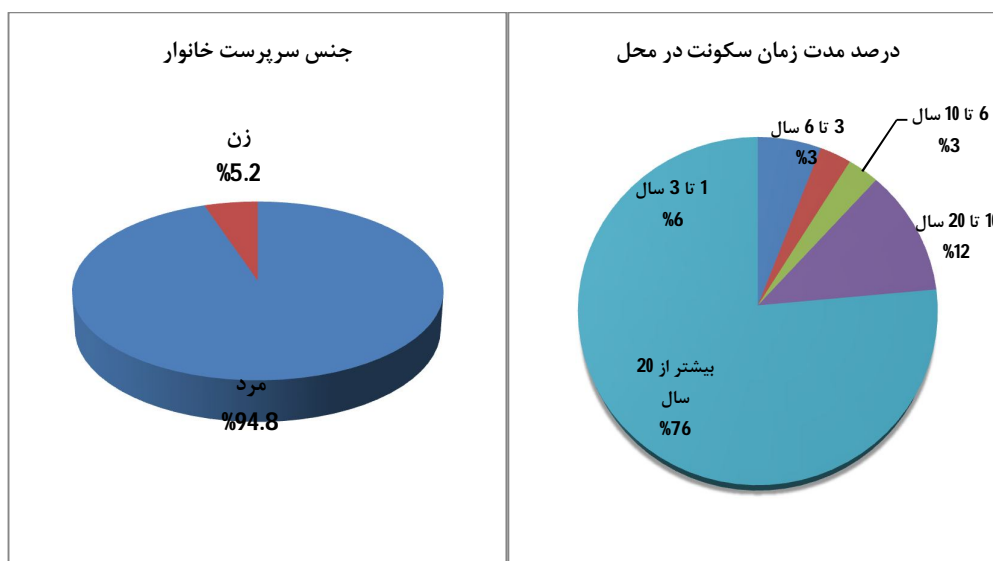
بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه های خانوار در کوی طاهر، بیش از 90 درصد از خانوارهای این سکونت گاه مهاجر بوده اند، که به دو دسته تقسیم می شوند: 1- مهاجرینی که از شهرها و روستاهای دیگر استان به این مکان مهاجرت نموده اند (71 درصد). 2- مهاجرینی که از سایر محله های اهواز به این مکان نقل مکان نموده اند (29 درصد)، (نمودار 1).

بیش از 70 درصد از سرپرستان خانوار کمتر از 40 سال سن دارند (نمودار 2)، که مؤید ساختار سنی در گروه سنی فعالیت است که عمدتاً با ساختار مهاجران به شهر برای کار و فعالیت همخوانی دارد. در مجموع بالغ بر 50 درصد (76 درصد) ساکنین بیش از 20 سال است که در منطقه ساکنند (نمودار 3). اکثر سرپرستان خانوار مرد هستند (94/8) (نمودار 4) 0 بیشتر پلاک های ساختمانی کوی طاهر شامل منازل 2 خانواری و یا بیشتر (35 درصد) می شود (نمودار 5). نهایتاً اینکه در بیشتر منازل مسکونی جمعیتی بالغ بر 5 نفر زندگی می کنند (79 درصد) (نمودار 6).



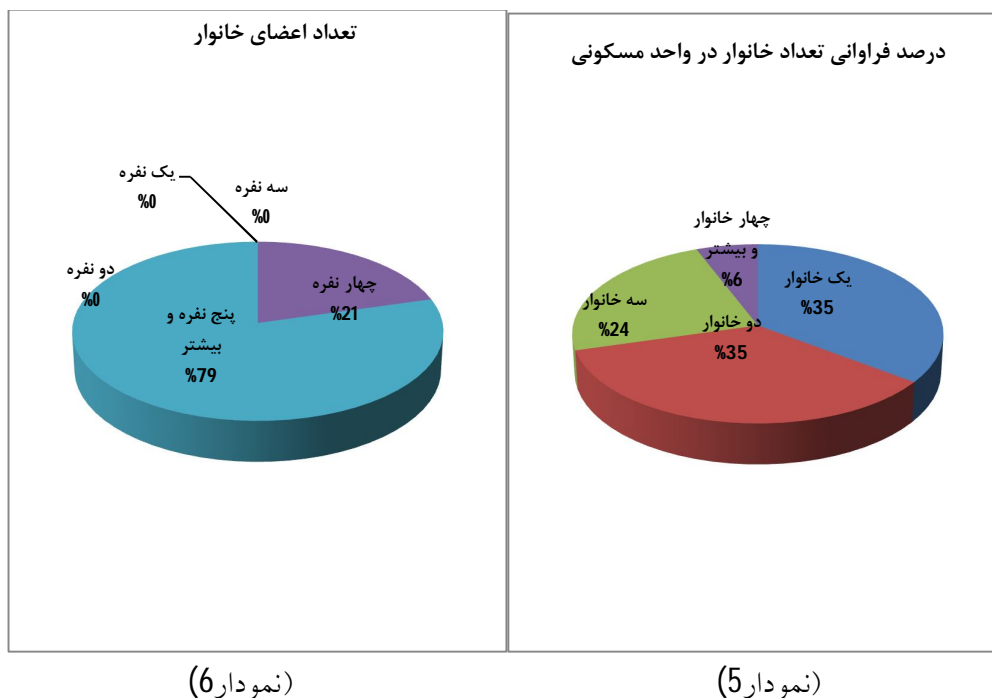
(نمودار 2)

(نمودار 1)



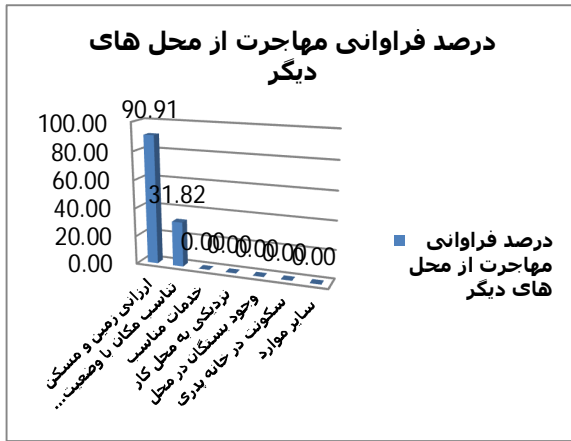
(نمودار 4)

(نمودار 3)

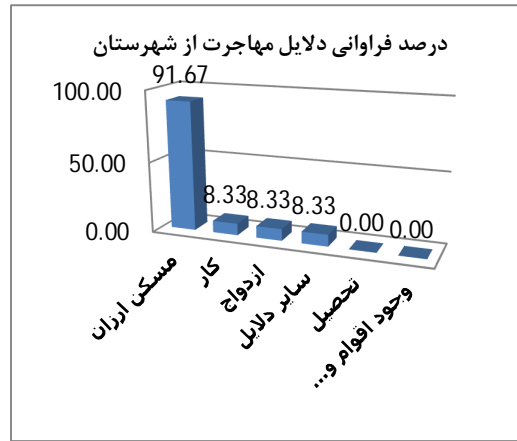


ویژگی‌های اقتصادی

بر اساس پاسخ‌های ارائه شده دلیل مهاجرت اکثر پاسخگویان اقتصادی می باشد، که همانطور که پیشتر اشاره شد به دو دسته تقسیم می شوند: 1- مهاجرینی که از شهرها و روستاهای دیگر استان به این مکان مهاجرت نموده اند (71 درصد) که مهمترین دلیل برای مهاجرت خود را مسکن ارزان و همچنین اشتغال بیان نموده اند (نمودار 7). 2- مهاجرینی که از سایر محله های اهواز به این مکان نقل مکان نموده اند (27 درصد) که مهمترین دلیل خود را ارزانی زمین و مسکن و تناسب مکان با وضعیت مالیشان بیان نموده اند (نمودار 8). اغلب پاسخگویان خود صاحب خانه هستند (94 درصد) (نمودار 9)؛ ولی بیشترین نوع مالکیت از نوع تصرفی است و جنبه قانونی ندارد (94/12 درصد) (نمودار 10)؛ اشتغال اکثر سرپرستان خانوار به صورت فصلی است و یک درآمد همیشگی ندارند (8/91 درصد) و اغلب به شغل های کاذب در سطح شهر روی می آورند (نمودار 11).



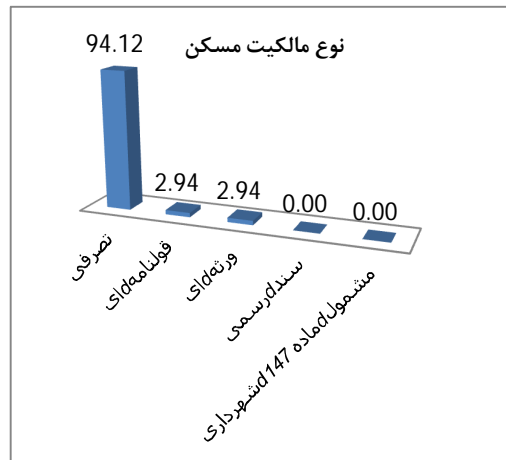
(نمودار 8)



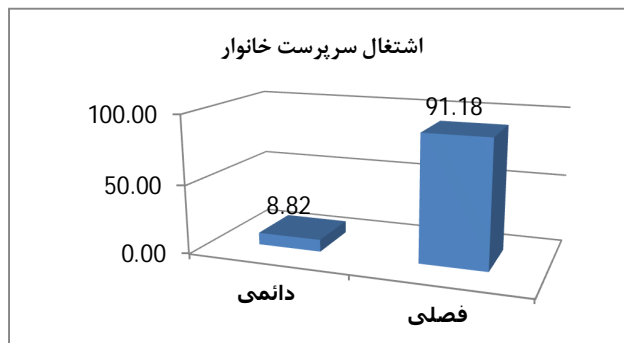
(نمودار 7)



(نمودار 10)



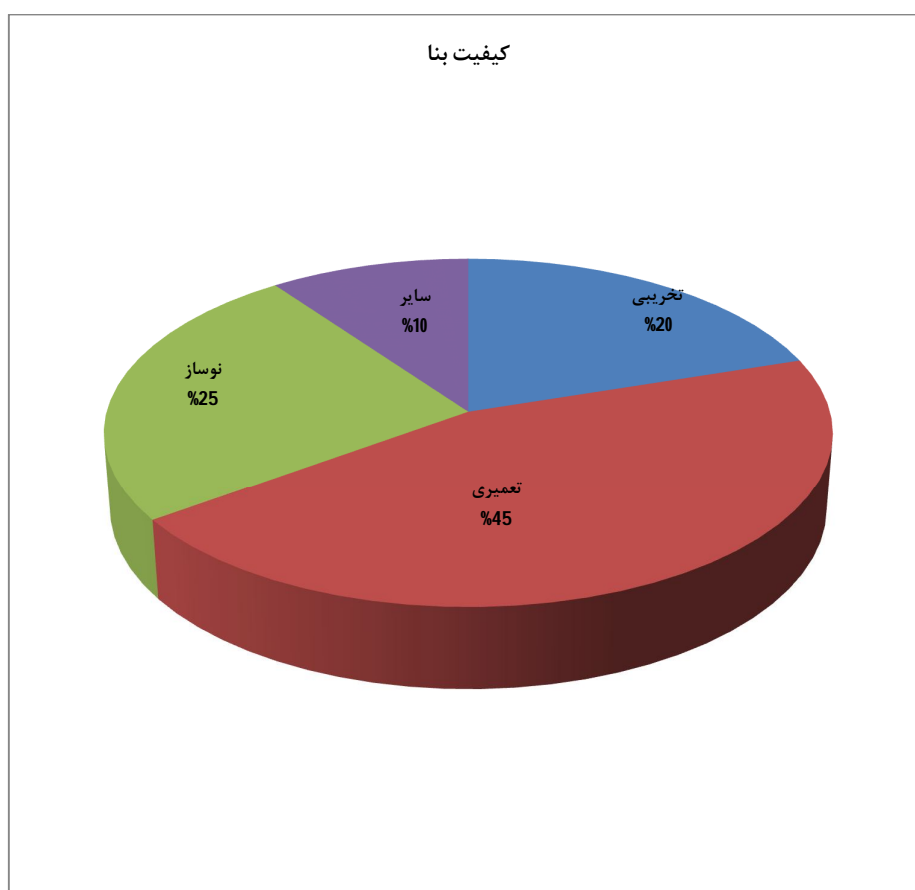
(نمودار 9)



(نمودار 11)

ویژگی های فیزیکی - کالبدی

سه شاخص ناپایداری، ریز دانگی و نفوذ ناپذیری را به وضوح می شود در بافت کالبدی کوی طاهر مشاهده کرد. مساحت اکثر بنا های مسکونی کمتر از 200 متر مربع می باشد. بیشتر معابر یا غیر آسفالته هستند یا اینکه آسفالت آنها از کیفیت نازلی برخوردار است. کیفیت بنا ها در سطح پایینی است و از استحکام کمی برخوردار است. اکثر خانه ها فاقد اسکلت بندی و بناها نیاز به تعمیرات اساسی دارد (نمودار 12).

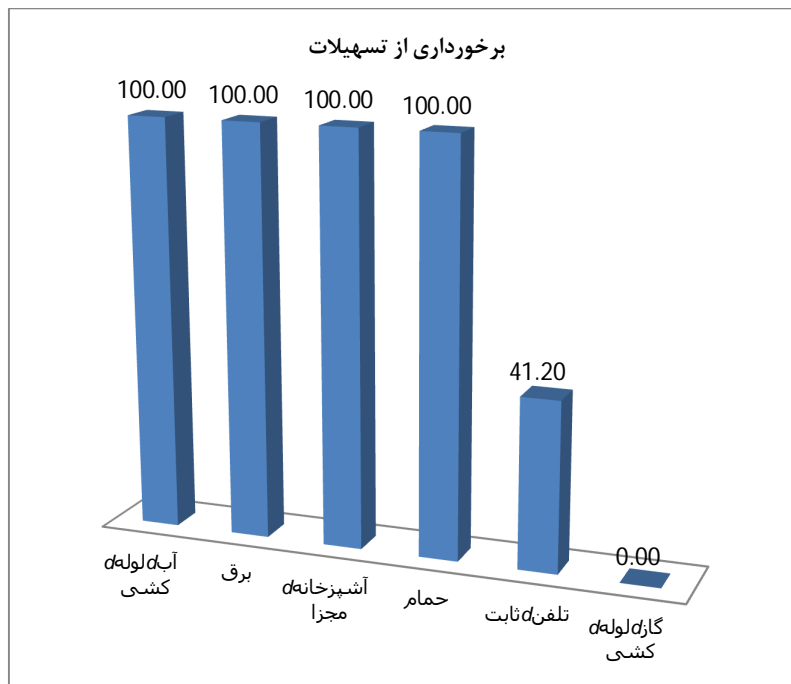


(نمودار 12)

ویژگی های خدماتی و زیست محیطی

کوی طاهر از لحاظ امکانات و تسهیلات رفاهی در شرایط نامناسبی است. اگر چه همه منازل از امکانات آب، برق برخوردارند ولی این خدمات به گونه ای نامناسب ارائه می گردد. به طوری که این منطقه به طور پی در پی با قطعی برق و آب مواجه است.

به طور کلی محله با کمبود خدمات مختلف آموزشی فرهنگی، مراکز بهداشتی درمانی، امکانات فراغتی و عدم دسترسی به واحدهای تجاری اداری مواجه است. در این میان می توان به تخلیه غیر استاندارد و نامناسب فاضلاب و دفع نامناسب زباله نیز اشاره کرد (نمودار 13).



(نمودار 13)

جمع بندی و نتیجه گیری

در خصوص بررسی‌های انجام شده در رابطه با وضعیت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، خدماتی، بهداشتی و ... در کوی طاهر و تحلیل این عوامل، سوال پژوهش مبنی بر اینکه آیا سیاست‌های انتخاب شده از سوی دولت در راستای توانمند سازی و سامان دهی این منطقه (1- تخریب و پاکسازی منطقه و جابجایی ساکنان به واحدهای آپارتمانی ساخته شده توسط دولت، و یا 2- ارائه تسهیلات خرید مسکن در دیگر نقاط شهر)، در نهایت به ارتقای کیفیت زندگی و بهبود مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی، خدماتی و غیره و همچنین توانمند سازی و ساماندهی این منطقه منجر خواهد شد، پاسخ داده شده است. طبق نتایج بدست آمده از یافته‌های تحقیق، از لحاظ اجتماعی سیاست‌های پیشنهاد شده در بالا مورد تأیید نمی‌باشد. زیرا ساکنان این منطقه دارای حقوق شهروندی می‌باشند و از مدیران شهری انتظار دارند که به حقوقشان توجه نمایند. از آنجا که حدود 80 درصد ساکنین 20 سال است که در محل سکونت دارند و با توجه به

دلبستگی‌های خود راضی به انتقال به منطقه‌ی دیگر نمی‌باشند. ساکنان امیدوارند بتوانند در آینده‌ی خود و فرزندانشان مشارکت بیشتری داشته باشند. از دلایل دیگر در این زمینه که این سیاست را مناسب نمی‌داند، می‌توان به مهاجر بودن اغلب ساکنان، از روستا (29 درصد) و شهرهای کوچک دیگر استان (71 درصد)، پایین بودن سطح سواد، مشاغل غیر رسمی و غیره اشاره نمود که پس از انتقال این افراد به دیگر نقاط شهر موجب بروز مشکلات عدیده‌ای برای خود و دیگر شهروندان (به لحاظ تفاوت فرهنگی خواهد شد). همچنین می‌توان به نحوه‌ی سکونت این اجتماع اشاره نمود که بیشتر پلاک‌ها شامل دو خانوار و یا بیشتر (35 درصد) می‌باشد و در بیشتر منازل مسکونی جمعیتی بالغ بر 5 نفر زندگی می‌کنند (79 درصد) که این شیوه زندگی با سبک زندگی آپارتمان نشینی در پلاک‌هایی با متراژ پایین بسیار متفاوت می‌باشد و این خود مشکلات فراوانی را پیش پای ساکنین و مدیران شهری قرار می‌دهد.

توجه به عامل اقتصادی نیز به عنوان یکی از مهمترین دلایل سکونت این افراد در محل فعلی نیز باید قبل از اتخاذ چنین تصمیماتی، از سوی دولت مورد بررسی و تأمل قرار گیرد. بر اساس نتایج بدست آمده دلیل اصلی مهاجرت اکثر پاسخگویان، مشکلات اقتصادی می‌باشد که مهمترین این دلایل مسکن ارزان و اشتغال بیان شده است. این افراد به دلیل عدم استطاعت مالی، دست به تصرف زمین‌های حاشیه‌ی شهر نموده اند و بیشترین نوع مالکیت در این منطقه از نوع تصرفی است و جنبه‌ی قانونی ندارد (94/82 درصد) ، اشتغال اکثر سرپرستان خانوار بصورت فصلی است و یک درآمد ثابت ندارند. (91/18 درصد) که اغلب کارگر ساده بوده اند و هم اکنون یا بیکارند و یا از طریق مشاغل غیر رسمی با درآمد پایین امرار معاش می نمایند. با توجه به این شرایط از دغدغه های عمده ساکنین می توان به باز پرداخت اقساط وام های اعطایی ، بی خانمان شدن فرزند ان آنها (که پیش از این در یک خانه به اتفاق زندگی می کردند) ، از دست دادن همین حداقل درآمد از طریق شغل های کاذب ، پرداخت هزینه قبوض برق و آب و ... (که پیش از این از انشعابات غیر قانونی استفاده می نمودند)، پرداخت هزینه ها در برابر ارائه تسهیلات و خدمات و... اشاره نمود. بنابر این دولت بهتر است پیش از هر اقدامی به فکر منابع جدید درآمدی برای این افراد باشد تا این که مناطق جدیدی تبدیل به اسکانهای غیر رسمی و مناطق بد قواره شهری نشوند.

از لحاظ فرهنگی نیز انتخاب این سیاست جای بحث دارد. زیرا ساکنین این منطقه سالیان طولانی است که این سبک زندگی را انتخاب نموده و با زندگی آپارتمان نشینی نامانوس می باشند. لذا ناخواسته برای خود و دیگران ایجاد مشکل و مزاحمت می نمایند که این خود نابسامانی ها و مشکلات عدیده ی بعدی را در پی خواهد داشت. باید گفت که مدیریت شهری پیش از آن که هر تصمیمی در راستای توانمند سازی و

ساماندهی این مناطق اتخاذ نماید ، بایستی ابتدا چگونگی تشکیل این نوع سکونت گاه ها را برای جلوگیری از رشد و گسترش آن بررسی نماید.

در مورد برخورد با این نوع سکونت گاه ها، راه حل های مختلفی پیشنهاد و به کار گرفته می شود. ولی راه حل تخریب یا همان بولدوزری و انتقال اجباری نه تنها به رفع مشکل سکونت گاه های غیر رسمی نمی انجامد ، بلکه این مشکل را دو چندان می سازد. راه حل های موضعی همچون ارائه خدمات و امکانات صرف از سوی دولت و سایر نهادهای اجرایی نیز نه تنها از این مشکلی از این سکونت گاه ها حل نمی کند، بلکه موجب ترغیب ساکنان برای ماندن و جلب توجه بیشتر دیگر افراد به این سکونت گاه ها می گردد. اما سیاست توانمند سازی نه به معنای آن چه برای کوی طاهر اتخاذ شده بلکه به معنای پذیرفتن حقوق شهروندی این ساکنان و حرکت به سمت مشارکت مردمی و استفاده از نیروی آنها برای حل مشکلاتشان می تواند راه حلی مناسب باشد.

ساماندهی با تکیه بر توانمند سازی و ایجاد تسهیلات و اعطای امکانات از سوی دولت با نظارت دقیق و همه جانبه به منظور جلوگیری از گسترش این سکونت گاه ها و به کار بردن قوانین سخت اجرایی از سوی سازمان ها و نهادهای ذیربط ، بهترین راه حل ممکن در تقبل با این مسئله است. در پایان با به کار بردن الگوی تحلیل **SWOT** برای سکونت گاه غیر رسمی کوی طاهر، با بهره گیری از یافته های کار میدانی و نظر کارشناسان به ارائه راهبردهایی برای توانمند سازی و ساماندهی این سکونت گاه پرداخته می شود.

توانمند سازی اسکان‌های غیر رسمی با استفاده از استراتژی راهبردی SWOT (نمونه: کوی طاهر اهواز)

جدول شماره 2 - نظام تحلیل توانمندسازی و ساماندهی کوی طاهر اهواز بر پایه الگوی تحلیل SWOT

موضوع		اسکان غیر رسمی	
		سکونتگاه	ارتباط
عوامل درونی	نقاط قوت (S)	<ul style="list-style-type: none"> - قرار گرفتن در محدوده‌ی خدماتی شهر - داشتن روحیه‌ی مشارکت و همکاری - استقبال ساکنین از بهسازی و ساماندهی محله - یگدست بودن محله از نظر فرهنگی - توانایی و انسجام زنان در زمینه‌های مختلف - جوان بودن 	<ul style="list-style-type: none"> - امکان رسیدگی بیشتر به مسائل خدماتی محله - استفاده از مشارکت‌های مردمی در راستای ساماندهی و توانمندی - استفاده از پتانسیل زنان در امر توانمندسازی و ساماندهی - بهره‌بردن از نیروی فعالیت ساکنان خصوصاً قشر جوان در امر توانمندسازی و ساماندهی
	نقاط ضعف (W)	<ul style="list-style-type: none"> - بیگاری و نداشتن شغل مناسب - عدم رعایت استانداردهای ایمنی در قالب ساخت و ساز - کمبود امکانات رفاهی - خدماتی - پایین بودن سطح سواد - استفاده از انشعابات غیر مجاز آب و برق - نبود زیر ساخت‌های اساسی مثل گاز و تلفن - مشکلات زیست محیطی مانند دفع فاضلاب و زباله - نداشتن سند رسمی و پروانه‌ی ساختمان از شهرداری و اسکان بصرت غیر قانونی 	<ul style="list-style-type: none"> - فقر، و درآمد پایین (ماندن در چرخه‌ی فقر) - امکان مواجهه با مخاطرات ناشی از نابسامانی‌های فیزیکی و کالبدی - مواجهه بودن با مشکلات عدیده در محله و امکان ایجاد آشوب‌های اجتماعی به دلیل نارضایتی از ساکنان و وضعیت‌شان - نداشتن حقوق شهروندی
عوامل بیرونی	فرصت‌ها (O)	<ul style="list-style-type: none"> - قرار گرفتن محله در کلان‌شهری که قطب صنعتی و اشتغال است - قرار گرفتن محله در یکی از مبادی‌های اصلی شهر - اهمیت دادن مدیران به توانمند سازی و ساماندهی اسکان غیر رسمی - شروع مطالعات توانمند سازی و ساماندهی اسکان غیر رسمی در شهر اهواز - وجود تجربیات فراوان جهانی و دیگر شهرهای ایران در اماندهی و توانمند سازی 	<ul style="list-style-type: none"> - وجود فرصت‌های فراوان شغلی - استفاده از تجربیات دیگر کشورها و شهرها در امر ساماندهی و توانمند سازی - برنامه‌ریزی آسانتر و سریعتر در امر توانمند سازی و ساماندهی محله
	تهدیدها (T)	<ul style="list-style-type: none"> - نبود مدیریت واحد شهری و هماهنگی بین دستگاهی - آسیب پذیری خانه‌ها در برابر حوادث طبیعی به دلیل عدم استحکام بنا - ادامه‌ی روند مهاجرت و رشد بی‌رویه‌ی سکونت گاه‌ها - گسترش شغل‌های کاذب 	<ul style="list-style-type: none"> - تعلل در امر توانمند سازی و ساماندهی و بی برنامه‌گی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل شهری - بروز فاجعه‌های انسانی در صورت وقوع مخاطرات طبیعی و سخت‌تر شدن کار تولنمند سازی و ساماندهی - بی نظمی و کساد در شغل‌های ثابت و رسمی

پیشنهاد ها و راهبردهای اصلاحی

راهبردهای توانمند سازی و ساماندهی اجتماعی :

– تأکید بر اجرای پروژه های آموزش اجتماعی از طریق مراکز بهزیستی و مشاوره و راهنمایی در زمینه های بهداشتی و تنظیم خانواده ، مهد کودک و احداث توسعه فضاهای اجتماعی - فرهنگی
– توجه ویژه به حقوق زنان و کودکان و فعال نمودن ایشان در اقدامات بهسازی محله
– ایجاد زمینه های توسعه سیاسی - فرهنگی و روحی - روانی به منظور تحرک و پویایی ساکنان این منطقه

– ایجاد و توسعه کانون پرورش فکری کودکان ، گسترش و توسعه اوقات فراغت جوانان و بانوان در محله

– کمک به شکل گیری تشکل های مردمی و غیر دولتی (*N.G.O*) همچون شورای محله به منظور توانمند سازی و ایجاد عدالت اجتماعی به اقتصاد در سطح محله

– پذیرش و تقویت نقش مثبت نهاد های سنتی در توانمند سازی اجتماعی محله ها
– بالا بردن سطح فرهنگی و تقویت ارزش های معنوی به منظور استفاده های مشروع از خدمات و امکانات و همچنین جلوگیری از ارتکاب جرم از سوی خود ساکنان محل
– ایجاد کتابخانه در محل (برای این کار می توان از مسجد محله استفاده کرد)
– احداث فضاهای آموزشی بهداشتی (فقدان مدرسه راهنمایی، مهد کودک و مرکز بهداشت در محله مشهود است)

و کمک به ارتقای سطح فرهنگی مردم در زمینه تنظیم خانواده و رعایت مسائل بهداشتی از طریق ایجاد این فضاها

– ایجاد امکانات تفریحی در محله (می توان از ساعت هایی که فضاهای آموزشی خالی می مانند برای فعالیت های فرهنگی، ورزشی و ... استفاده نمود).

راهبردهای توانمند سازی و ساماندهی اقتصادی

– ایجاد فروشگاه تعاونی در محله
– تشکیل صندوق های تعاونی و تشکل های مردمی در میان ساکنان محله
– آموزش و به کار گیری زنان در زمینه های تولید به مصرف بهینه به منظور افزایش در آمد خانواده

ها

- زمینه سازی برای ایجاد فعالیت های اقتصادی منطبق با شرایط و ویژگی های مهاجران از طریق آموزش های فنی حرفه ای و بالا بردن مهارت نیروی کار
- تشکیل صندوق های قرض الحسنه‌ی خرده وام به گونه ای که خود ساکنان مسئول آن باشند
- ایجاد تعاونی های کارگران با حمایت بخش دولتی و بیمه‌ی بخش غیررسمی از طرف دولت . از آنجا که اغلب نیروی کار این محله را کارگران ساده‌ی ساختمانی تشکیل می دهند، می توان از طریق ایجاد اتحادیه های کارگری محلی از نیروی کار آنها در فعالیت های ساخت و ساز شهر و محله بهره برد.

راهبردهای توانمند سازی و ساماندهی کالبدی

- جلوگیری از گسترش اسکان های غیر رسمی با استفاده از کمربند سبز در اطراف شهر
- برخورد قاطع با عوامل ساخت و ساز غیر قانونی و غیر استاندارد
- اصلاح وضع موجود با نظم دادن سیستم شهر سازی و خدمات رسانی
- ایجاد بانک زمین جهت محافظت از زمین های موجود محله و کنترل قیمت زمین
- رسمیت بخشیدن از لحاظ حقوقی و قانونی به مالکیت ساکنین بر زمین و مسکن
- تقویت ساختار شبکه ارتباطی و بهسازی معابر با استفاده از نیروی کار محله
- کاهش میزان فاصله دسترسی به خدمات رفاه عمومی از طریق ایجاد خدمات در زمین های خالی و استفاده از مشارکت مردمی
- پرداخت وام هایی کم بهره و یا بدون بهره جهت باز سازی مساکن.
- عرضه‌ی ارزان قیمت مصالح بادوام برای ساخت و ساز و بهسازی خانه‌ها از طرف سازمان‌های مدیریت شهری با هدف ارتقای کیفیت و استحکام خانه‌ها
- ایجاد تعاونی‌های مسکن و تقویت آنها در ساخت و ساز واحدهای مسکونی متناسب با توانایی اقتصادی ساکنان و نظارت بر آنها به منظور رعایت اصول فنی و استانداردها در ساخت و ساز
- بهبود سرانه‌ی کاربری های شهری در محله از طریق افزایش دادن سرانه های مسکونی، فرهنگی، آموزشی، تجاری در محله با حمایت دولت و با مشارکت مردم

راهبردهای توانمند سازی و ساماندهی مدیریتی

- هماهنگی بیشتر بین دستگاه ها به منظور برنامه ریزی صحیح برای حل مسائل و مشکلات این سکونتگاه ها از طریق تشکیل نهاد توانمندسازی و ساماندهی که از تمام سازمان های مرتبط با مسائل شهری عضوی در آن حضور داشته باشد
- بازنگری طرح های جامع و تفصیلی شهر و اصلاح آن مطابق با عدالت اجتماعی و دربرگیری همه اقشار جامعه
- کمک به ایجاد تشکل های محلی از طریق شناسایی افرادی که مردم محله به آنان اعتماد دارند
- اعمال سیاست های تمرکززدایی و جلوگیری از رشد لجام گسیخته و بی رویه شهرها برای جلوگیری از مهاجرت بیشتر افراد
- جلوگیری جدی از ادامه روند ساخت وسازهای غیرقانونی و بدون پروانه از طرف سازمان های مدیریت شهری از طریق ایجاد احساس تعلق و هویت مکانی در ساکنان به گونه ای که خودشان مانع از ایجاد ساخت وسازهای تازه شوند.

راهبردهای توانمند سازی و ساماندهی خدماتی

- ارتقای شبکه های زیربنایی و خدمات رسانی از قبیل شبکه های فاضلاب، تأسیسات گاز، برق، تلفن و آب با حمایت بخش دولتی و با مشارکت خود مردم . از طریق ارائه خدمات مورد نیاز می توان قیمت زمین و مسکن را در این محله بالا برد، که خود در جلوگیری از ورود دیگر افراد و رشد بی برنامه این سکونتگاه ها مؤثر است
- آسفالت روکش معابر از طریق حمایت بخش دولتی یا شهرداری و با استفاده از نیروی کار ساکنان محل در ازای پرداخت حقوق به آنها
- ایجاد یک بازارچه کوچک محلی که همه ی مراکز تجاری پراکنده در سطح محله در آن جمع شود
- گذاشتن درپوش برای فاضلاب محل از طریق شهرداری و گذاشتن سطل های بزرگ زباله در انتهای هر خیابان برای - ترغیب ساکنان به کمک در حفظ محیط زیست
- حل معضل روشنایی معابر (عامل تاریکی در محله، خود می تواند تقویت کننده ی جرائم باشد).

منابع

- 1- بیگدلی ، داوود (1383)، ساماندهی اسکان غیر رسمی نمونه مورد مطالعه کوی فاطمیه شهر زنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری ، دانشگاه زنجان.
- 2- پورآقایی، عبدالله (1383)، بررسی و تحلیل اسکان غیر رسمی در شهر رشت و راهکارهای مناسب برای بهبود روند آن، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد.
- 3- صرافى، مظفر (1381)، به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی، هفت شهر، شماره نهم و دهم.
- 4- صرافى ، مظفر(1381)، به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره 9-10.
- 5- قرخلو، مهدی و دیگران (1381)، تحلیل سطح پایداری شهری در سکونت گاه‌های غیر رسمی، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 69.
- 6- کمانرودی، موسی (1377)، اسکان غیر رسمی در تهران ساماندهی در منطقه 6 شهرداری، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.
- 7- هادیزاده بزاز، مریم (1384)، حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات آذر برزین، تهران.
- 8- Guander, F., (1968), *Souse Development an Amorous Latin, Maspero , Paris.*
- 9- Haj Yusefi, A., (2002), *Informal Settlement and its Evolution before Islamic Revolution, Haft Shahr quarterly, No. 8, pp. 27-34.*
- 10- Irandust, Kiumars, (2007), *Informal Settlement Landscape of Urban Unsustainability, Ph.D. dissertation in Shahid Beheshti University, under supervisor of Dr. Mozaffar Sarrafi.*
- 11- Mumtaz Babar, (2001), "Why Cities Need Slums", *Habitat Debate , Vol.7, No.3*
- 12- Piran, P., (2005), *Informal Settlement in Iran, Literature review, Etelaate siasi va eghtesadi journal, No. 88, pp. 60-73.*
- 13- Sriniras Hari, (1998) "Defining Squatter Settlements" pp.1, 199
- 14- Todaro, M., (1988), *Economic Development in Third World Countries, translated by Gholamali Farjadi.*